

تاریخ دریافت مقاله: ۹۴/۰۶/۳۱

تاریخ بررسی مقاله: ۹۴/۰۹/۰۸

تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۱۰/۱۳

DOI: 10.22055/jacp.2017.12532

مجله دستاوردهای روان‌شناسی بالینی  
دانشگاه شهید چمران اهواز، زمستان ۱۳۹۴  
دوره‌ی اول، سال ۱، شماره ۴  
صص: ۶۶-۴۷

## کارکرد خانواده، سیستم فعال‌سازی رفتاری و رفتار مشکل‌زا در نوجوانان: نقش میانجی هویت

صادق فلاح تفتی<sup>۱\*</sup>، محسن دهقانی<sup>۲</sup>، مجتبی حبیبی<sup>۳</sup> و احسان نیک‌منش<sup>۴</sup>

### چکیده

رفتارهای مشکل‌زا یکی از مسائل مهم و چالش‌انگیز در دوران نوجوانی است که توجه پژوهشگران و متخصصان سلامت روان را به خود جلب کرده است. رفتارهای مشکل‌زا تحت تأثیر عوامل زیستی، روانی و اجتماعی قرار دارد. از آنجایی که کارکرد خانواده، ویژگی‌های شخصیتی و هویت فردی از عوامل پیش‌بینی‌کننده مهم این رفتارها در دوران نوجوانی هستند لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه میان کارکرد خانواده و سیستم فعال‌سازی رفتاری با رفتار مشکل‌زا در نوجوانان و همچنین بررسی نقش میانجی‌گری هویت در رابطه این دو متغیر پیش‌بین با رفتار مشکل‌زا انجام شد. تعداد ۱۹۰ دانش‌آموز دبیرستانی ساکن تهران به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و پرسشنامه‌های ابعاد کارکرد خانواده اولسون، سیستم‌های مغزی رفتاری، پرسشنامه عوامل روانی- اجتماعی خطر ساز و محافظ رفتار مشکل‌ساز جسور و مراحل روانی- اجتماعی اریکسون را تکمیل کردند. داده‌ها با روش رگرسیون تحلیل شدند. تحلیل داده‌ها نشان داد که هر سه متغیر کارکرد خانواده، هویت و سیستم‌های فعال‌سازی رفتاری با رفتار مشکل‌زا همبستگی معنادار دارند و همچنین می‌توانند آن را پیش‌بینی کنند. همچنین هویت قادر به میانجی‌گری رابطه کارکرد خانواده و رفتار مشکل‌زا است اما رابطه بین سیستم فعال‌سازی رفتاری و رفتار مشکل‌زا را میانجی‌گری نمی‌کند. نتایج نشان داد که هرچه کارکرد خانواده سالم‌تر، سیستم فعال‌سازی رفتاری دارای فعالیت کمتر و هویت منسجم‌تر باشد، احتمال درگیری نوجوان در رفتارهای مشکل‌زا کم‌تر است.

**کلید واژگان:** کارکرد خانواده، سیستم فعال‌سازی رفتاری، سیستم بازدارنده رفتاری، رفتار مشکل‌زا، نوجوانی.

۱. دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران (نویسنده مسئول)  
fallahsadeq@gmail.com

۲. روان‌شناسی بالینی، دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۳. روان‌شناسی سلامت، دانشیار پژوهشکده خانواده دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۴. دانشجوی دکتری تخصصی روان‌شناسی بالینی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران

## مقدمه

نوجوانی دوران سردرگمی و بحران هویت است، به همین دلیل در این دوران فرصت‌ها و خطرات زیادی نوجوانان را تهدید می‌کند و خانواده را با چالش‌های زیادی مواجه می‌سازد. برای جلوگیری از اثرات زیان‌بار این چالش‌ها، نوجوان با طی کردن موفقیت‌آمیز فرآیند شکل‌گیری هویت که به باور اریکسون تکلیف اصلی نوجوان در این دوره به شمار می‌رود، می‌تواند آماده پذیرش نقش مثبتی در زندگی خود، خانواده و جامعه شود (لرنر، برنتانو، داوولینگ و اندرسن<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). در مواردی نوجوان ممکن است درگیر رفتارهای پرخطر<sup>۲</sup> یا رفتارهای مشکل‌زایی<sup>۳</sup> شود که در این دوره افزایش می‌یابد (لوبر، فرینگتون، استوتهمر-لوبر، مافیت و کسپی<sup>۴</sup>، ۱۹۹۹). رفتار مشکل‌زا رفتاری است که مغایر با هنجارهای عرفی و اجتماعی بوده و معمولاً منجر به برخی واکنش‌های کنترل اجتماعی جزئی (مثل توبیخ کلامی) و یا جدی (مثل حبس) می‌شود. رفتار بزهکارانه، نقض قوانین خانه یا مدرسه و مشکلات رفتاری بخشی از رفتارهای منفی تحت عنوان سندرم رفتار مشکل‌زا<sup>۵</sup> هستند (جسور و جسور<sup>۶</sup>، ۱۹۹۷). در صورتی که نوجوان درگیر هر یک از این رفتارها شود، احتمال درگیری او در سایر رفتارهای مشکل‌زا نیز افزایش می‌یابد (گاتی، ترمبلی، ویتارو و مک‌داف<sup>۷</sup>، ۲۰۰۵). برای ریشه‌یابی علل درگیری نوجوانان در رفتارهای مشکل‌زا تلاش‌های زیادی صورت گرفته است (جسور و جسور، ۱۹۹۷؛ گاتی و همکاران، ۲۰۰۵). پژوهشگران در این باره عوامل خطر ساز و محافظت‌کننده‌ای را شناسایی کرده‌اند که در دو سطح محیط (از جمله خانواده، هم‌سالان، جامعه و آموزش) و زیست‌شناختی (مانند سیستم‌های مغزی رفتاری) طبقه‌بندی شده‌اند.

خانواده همواره یکی از اصلی‌ترین عوامل محیطی مؤثر بر رشد نوجوان و رفتارهای او به شمار می‌رود (گاتی و همکاران، ۲۰۰۵). خانواده عنصری است که می‌تواند برای نوجوان محافظت‌کننده و یا خطر ساز (به‌ویژه در رابطه با رفتار مشکل‌زا) باشد. اولسون<sup>۸</sup> (۲۰۰۰)

1. Lerner, Brentano, Dowling, & Anderson
2. risk behaviors
3. problem behaviors
4. Loeber, Farrington, Stouthamer-Loeber, Moffit, & Caspi
5. problem behavior syndrome
6. Jessor & Jessor
7. Gatti, Tremblay, Vitaro, & McDuff
8. Olson

کارکرد خانواده را به دو بعد متوازن و نامتوازن تقسیم و انعطاف‌پذیری<sup>۱</sup> و انسجام<sup>۲</sup> خانواده را در یک طیف بررسی کرد. شوارتز، پانتین، پرادو، سالیوان و شاپوچنیک<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) در بررسی رابطه بین کارکرد خانواده، هویت و مشکلات رفتاری نوجوانان، به رابطه مستقیم و غیرمستقیم (از طریق هویت) کارکرد خانواده و مشکلات رفتاری نوجوانان پی بردند. همچنین داج و پتیت<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) عنوان کرده‌اند که فرآیندهای محیطی روی فرآیندهای درونی نوجوان تأثیر می‌گذارند و پیش‌فرض‌های او را در رابطه با انواع مشخصی از رفتار تعدیل می‌کنند. جوادی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی به بررسی ۱۴۵ دانش‌آموز پسر دبیرستانی پرداختند تا به رابطه احتمالی بین کارکرد خانواده و تاب‌آوری در برابر مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی مدارس پرخطر پی ببرند. آن‌ها دریافتند که هر چه کارکرد خانواده وضعیت سالم‌تر و مطلوب‌تری داشته باشد، تاب‌آوری فرزندان در برابر مصرف مواد بیش‌تر خواهد بود.

هویت فردی<sup>۵</sup>، یکی دیگر از موضوعات اساسی مورد توجه در نوجوانی است. هویت نیز از جمله عواملی است که هم می‌تواند از فرد در برابر رفتارهای مشکل‌زا محافظت کند و هم او را در برابر این رفتارها آسیب‌پذیر سازد. به عبارتی، هویت به دو صورت منسجم<sup>۶</sup> و یا سردرگم<sup>۷</sup> برای نوجوان تعریف می‌شود. احساسی منسجم از هویت به سازمان‌دهی و معناداری فرد به تجربیات خود و همچنین سمت و سو دادن به تصمیمات و رفتارهای او کمک می‌کند هویتی که سردرگم، متلاشی و یا فاقد ساختار مناسب باشد نیز می‌تواند ثبات در تصمیم‌گیری و عمل را کاهش داده و زمینه را برای آسیب‌پذیری‌های گوناگون در برابر رویدادهای بیرونی در نوجوان مهیا کند. نوجوانانی که همچنان در رابطه با احساس هویت، بیشتر احساس سردرگمی دارند تا انسجام، به دلیل عدم پایداری به اهداف، ارزش‌ها و خواسته‌های مشخص و سردرگمی در این زمینه اضطراب و تنش زیادی را تجربه می‌کنند (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵). این شرایط به تجربه عزت‌نفس پایین‌تر منجر می‌شود و این عزت‌نفس پایین‌تر آن‌ها را به گروه‌های همسالی سوق می‌دهد که از لحاظ پایگاه هویتی شرایط مشابه‌ای را تجربه می‌کنند که

1. adaptability
2. cohesion
3. Schwartz, Pantin, Prado, Sullivan, & Szapocznik
4. Dodge & Pettit
5. personal identity
6. coherent
7. confused

در نهایت برای رفتارهای مشکل‌زا بیشتر مستعد هستند (یوهانسن و نوزیک<sup>۱</sup>، ۲۰۱۱). به این ترتیب، هویت نیز در بروز گرایش نوجوانان و جوانان به رفتارهای مشکل‌زا دخالت قابل توجهی دارد. اما شکل‌گیری هویت نیز به خودی خود تحت تاثیر کارکردهای خانواده قرار دارد. به این شکل که خانواده‌ای که بسترهای مناسب تعاملی، نقش‌های شفاف و ساختارهای مناسبی را در کنار فضایی صمیمی و امن در اختیار نوجوان خود قرار می‌دهد، زمینه را برای کاوش او برای هویت و رسیدن به نتایج و تعهد به آنها تا حد قابل قبولی فراهم می‌کند.

عوامل زیستی نیز همواره به‌عنوان یکی از عوامل تعیین‌کننده رفتارهای مشکل‌زا در نوجوانان مورد توجه پژوهشگران قرار داشته است (لاکستن و داو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۱). یکی از نظریات مورد قبول حوزه ژنتیک و شخصیت در روان‌شناسی، نظریه سیستم‌های مغزی-رفتاری گری<sup>۳</sup> درباره شخصیت است که نقش ژنتیک در درگیری فرد در رفتارهای آسیب‌زا را به خوبی پیش‌بینی می‌کند. گری از شخصیت یک الگوی زیستی ارائه می‌دهد که شامل سه سیستم مغزی رفتاری است: سیستم فعال‌سازی رفتاری<sup>۴</sup>، سیستم بازداری رفتاری<sup>۵</sup> و سیستم ستیز و گریز<sup>۶</sup>. پژوهش‌ها به نقش سیستم فعال‌سازی رفتاری و سیستم بازداری رفتاری در گرایش نوجوانان به رفتارهای مشکل‌زا اشاره کرده‌اند. در این رابطه، چندین پژوهش (از جمله ورمیرش، تی‌سیون، کافمن و ون‌هوت<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳ و عبدی، بخشی‌پور رودسری و محمودعلی‌لو، ۱۳۹۰) نشان دادند که فعالیت بیشتر سیستم فعال‌سازی رفتاری با احتمال بروز رفتارهای پرخطر در افراد رابطه مستقیم دارد. پژوهشی دیگر (فرانکن، موریس و جورجیوا<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶) نشانگر رابطه مثبت مصرف مواد و الکل با ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با سیستم فعال‌سازی رفتاری و رابطه منفی با ویژگی‌های شخصیتی مرتبط با سیستم بازداری رفتاری در دانشجویان بود. به عبارت دیگر در صورتی که سیستم فعال‌سازی رفتاری فعالیت بیشتری داشته باشد، یک عامل خطر ساز، و در صورتی که سیستم بازداری رفتاری فعال‌تر باشد، یک عامل محافظت‌کننده در برابر بروز

1. Johanson & Nozick
2. Laxton & Dawe
3. Gray's Brain-Behavioral Systems Theory
4. Behavioral Activation System (BAS)
5. Behavioral Inhibition System (BIS)
6. Fight-Flight System (FFS)
7. Vermeersch, T'sjeon, Kaufman, & Van Houtte
8. Franken, Muris, & Georgieva

رفتارهای مشکل‌زا است. هویت فردی<sup>۱</sup>، یکی دیگر از موضوعات اساسی مورد توجه در نوجوانی است (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵). هویت نیز همانند دو عامل پیشین از جمله عواملی است که هم می‌تواند از فرد در برابر رفتارهای مشکل‌زا محافظت کند و هم او را در برابر این رفتارها آسیب‌پذیر سازد. به عبارتی، هویت به دو صورت منسجم<sup>۲</sup> و یا سردرگم<sup>۳</sup> برای نوجوان تعریف می‌شود (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵). احساسی منسجم از هویت به سازمان‌دهی و معناداری فرد به تجربیات خود و همچنین سمت و سو دادن به تصمیمات و رفتارهای او کمک می‌کند در حالی که هویتی که سردرگم، متلاشی و یا فاقد ساختار مناسب باشد، می‌تواند ثبات در تصمیم‌گیری و عمل را کاهش داده و زمینه را برای آسیب‌پذیری‌های گوناگون در برابر رویدادهای بیرونی در نوجوان مهیا کند (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵). به این ترتیب، هویت نیز در بروز گرایش نوجوانان و جوانان به رفتارهای مشکل‌زا دخالت قابل توجهی دارد. پژوهش‌های گوناگونی به یک بین رابطه منفی معنادار بین انسجام هویت و مشکلات رفتاری دست پیدا کرده‌اند (ادمز، راین و کیتینگ<sup>۴</sup>، ۲۰۰۰؛ جونز و هارتمن<sup>۵</sup>، ۱۹۸۸؛ و جونز، هارتمن، گروچوفسکی<sup>۶</sup> و گلیدر<sup>۷</sup>، ۱۹۸۹). مجدآبادی فراهانی، فرزاد، شهرآرای و مرادی (۱۳۸۹) در پژوهشی که بر روی ۳۰۰ دانش‌آموز پایه دوم راهنمایی بود، به بررسی رابطه بین کنش‌وری خانوادگی، هویت شخصی و رفتار مشکل‌زا در نوجوانان پرداختند و بین کنش‌وری خانوادگی با رفتار مشکل‌زا و همچنین هویت با رفتار مشکل‌زا رابطه معنادار منفی یافتند. جکسن، دانهم و کیدول<sup>۸</sup> (۱۹۹۰) در مطالعه خود بر نوجوانان و جوانان آمریکایی به رابطه‌ای مثبت میان انسجام خانوادگی و تعهد هویت، که خود رابطه‌ای قوی با انسجام هویت دارد (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵) دست پیدا کردند.

بنابراین با توجه به افزایش روزافزون رفتارهای مشکل‌زا در بین نوجوانان از یک سو و کمبود پژوهش‌هایی که به صورت همزمان نقش عوامل مؤثر در بروز این رفتارها را مورد

- 
1. personal identity
  2. coherent
  3. confused
  4. Adams, Ryan, & Keating
  5. Jones & Hartmann
  6. Grochowski
  7. Glider
  8. Jackson, Dunham, & Kidwell

بررسی قرار دهند از سوی دیگر، پژوهش حاضر در پی بررسی نقش میانجی هویت در رابطه بین سیستم فعال‌سازی رفتاری و کارکرد خانواده با رفتارهای مشکل‌زا برآمد.

## روش

### جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی-همبستگی و جامعه آماری آن شامل کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر شهر تهران بود که بین سنین ۱۵ تا ۱۷ سال (مقاطع هشتم تا دهم دبیرستان) قرار داشتند. از این جامعه، ۱۹۰ دانش‌آموز پسر و دختر به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند به این شکل که از هر بخش شهر تهران (بخش‌های شمالی، جنوبی، غربی و شرقی) به صورت تصادفی ۶ مدرسه دخترانه و پسرانه انتخاب شد. با مراجعه به مدارس همکاری‌کننده، یک یا دو کلاس از هر مدرسه برای اجرای پژوهش انتخاب شد. در هر مدرسه به صورت تصادفی یک یا دو کلاس از پایه‌های اول، دوم و سوم دبیرستان انتخاب شده و پرسشنامه‌های عوامل روانی-اجتماعی خطرناک و محافظ رفتار مشکل‌زای جسور، سیستم‌های مغزی رفتاری گری، مقیاس انجسام و انعطاف‌پذیری خانوادگی اولسون و سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون برای تکمیل در اختیار آن‌ها قرار گرفت. پرسشنامه‌های ارائه شده در پژوهش حاضر به شرح زیر است:

**پرسشنامه عوامل روانی-اجتماعی خطرناک و محافظ رفتار مشکل‌ساز.** این پرسشنامه یک مقیاس لیکرت است که از سه بخش عمده تشکیل شده است و هر بخش خود دارای سه قسمت است: (۱) عوامل محافظ اجتماعی (در سطح خانواده، همسالان، مدرسه و همسایه‌ها). (۲) عوامل خطرناک اجتماعی (در سطح خانواده، همسالان، مدرسه و همسایه‌ها). (۳) عوامل فردی خطرناک مانند استرس و افسردگی، اعتماد به نفس و پذیرش پایین. برای سنجش هر کدام از این عوامل پرسشنامه‌های متعددی مورد استفاده قرار می‌گیرد. آلفای کرونباخ هر کدام از پرسشنامه‌ها در نمونه‌های آمریکایی و چینی توسط جسور، توربین<sup>۱</sup> و کاستا<sup>۲</sup> (۲۰۰۳) مشخص شده است. در پژوهش حاضر یکی از رفتارهای مشکل‌زا تحت عنوان رفتار بزهکارانه<sup>۳</sup> به عنوان نماینده رفتارهای

1. Turbin
2. Costa
3. delinquent behavior

مشکل‌زا مورد مطالعه قرار گرفت. این رفتار به وسیله زیرمقیاس ده سؤالی رفتار بزهکارانه از پرسشنامه ۳۱۳ سؤالی عوامل روانی-اجتماعی خطرناک و محافظ رفتار مشکل‌ساز جسور، سنجیده شد. نمره آزمودنی برای هر یک از سؤالات این زیرمقیاس در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت ارزیابی شد، به این شکل که نمره صفر نشان‌دهنده کمترین درگیری نوجوان در رفتار مورد سؤال و نمره چهار نشان‌دهنده بیشترین درگیری او بود. جسور و همکاران (۲۰۰۳) آلفای کرونباخ برای این زیرمقیاس را در نمونه چینی ۰/۸۲ و در نمونه امریکایی ۰/۸۴ گزارش داده‌اند. در پژوهش حاضر آلفای کرونباخ برای این زیرمقیاس مقدار ۰/۸۱ به دست آمد.

**سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون.** هویت شخصی نوجوان به وسیله زیرمقیاس هویت این سیاهه (سردرگمی هویت، ۶ گویه؛ انسجام هویت، ۶ گویه) سنجیده می‌شود (روزنتال، گورنی و مور<sup>۱</sup>، ۱۹۸۱). این زیرمقیاس احساس نوجوانان را در مورد کیستی و باورهایشان اندازه‌گیری می‌کند. شش گویه در جهت مثبت (به سمت انسجام هویت، مانند "می‌دانم چه نوع آدمی هستم") و شش گویه در جهت منفی (در جهت سردرگمی هویت، مانند "واقعاً نمی‌دانم چه کسی هستم") نوشته شده است. سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون برای استفاده در گروه نوجوانان و نیز بزرگسال طراحی شده است. بر اساس گزارش روزنتال و همکاران (۱۹۸۱) این سیاهه، یک زیرمقیاس منفرد از هویت به دست می‌دهد، اما نتایج برخی از پژوهش‌های انجام شده حاکی از دو عاملی بودن زیرمقیاس هویت است؛ یعنی انسجام هویت و سردرگمی هویت دو زیرمقیاس جدا را توصیف می‌کنند و بدین ترتیب، نمایش بهتری از داده‌ها فراهم می‌آید. ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره‌های انسجام هویت ۰/۸۰ و برای سردرگمی هویت ۰/۷۰ گزارش شده‌اند (شوآرتز، میسون<sup>۲</sup>، پانتین و شاپوچنیک، ۲۰۰۹). روزنتال و همکاران (۱۹۸۱) و ریس و یونس<sup>۳</sup> (۲۰۰۴) در پژوهش خود آلفای کرونباخ را برای زیرمقیاس هویت سیاهه مراحل روانی اجتماعی اریکسون ۰/۶۳ به دست آوردند. مجدآبادی فراهانی و همکاران (۱۳۸۹) اعتبار دو زیرمقیاس هویت را با روش آلفای کرونباخ حساب کرده و برای زیرمقیاس انسجام هویت به مقدار ۰/۷۰ و برای زیرمقیاس

- 
1. Rosenthal, Gurney, & Moore
  2. Mason
  3. Reis & Youniss

سردرگمی هویت به ۰/۶۲ دست یافتند. آلفای کرونباخ برای زیرمقیاس انسجام هویت در این پژوهش ۰/۶۸۷ و برای زیرمقیاس سردرگمی هویت ۰/۶۹ به دست آمد.

**پرسشنامه سیستم‌های مغزی-رفتاری.** این پرسشنامه به وسیله کارور و وایت<sup>۱</sup> (۱۹۹۴) جهت اندازه‌گیری حساسیت سیستم‌های رویکردی و اجتنابی (RST) افراد طراحی شده است. پرسشنامه سیستم‌های فعال‌سازی و بازداری رفتاری از ۲۴ گویه تشکیل شده است که دو سیستم فعال‌سازی و بازداری را اندازه‌گیری می‌کند. سیستم فعال‌سازی رفتاری دارای سه مؤلفه است. مؤلفه سائق<sup>۲</sup>، تمایل فرد را به تعقیب فعالانه اهداف مطلوب اندازه می‌گیرد و شامل ۴ گویه است. به عنوان مثال، عبارت "وقتی چیزی را می‌خواهم، همیشه با تمام وجود به دنبال آن می‌روم" یکی از گویه‌های این مؤلفه است. مؤلفه طلب هیجان و سرگرمی<sup>۳</sup>، تمایل فرد به پی‌گیری فعالانه سرگرمی و هیجانی را در زندگی اندازه می‌گیرد و شامل ۴ گویه است، به عنوان مثال عبارت "گاهی کارهایی انجام می‌دهم که ممکن است دلیلی به جز سرگرمی برایم نداشته باشند" یکی از گویه‌های این مؤلفه است. مؤلفه پاسخ‌دهی به پاداش<sup>۴</sup>، درجه‌ای را که پاداش‌ها به هیجان‌های مثبت منجر می‌شوند و تمایل به روی آوردن به رویدادهای بالقوه پاداش‌دهنده در تحریک لحظه‌ای را اندازه می‌گیرد و شامل ۵ گویه است، عبارت "وقتی از انجام دادن کاری لذت می‌برم، دوست دارم آن را ادامه دهم" یکی از گویه‌های این مؤلفه است. حساسیت سیستم بازداری رفتاری (BIS)، پاسخ‌دهی به تهدید و احساس اضطراب هنگام رویارویی با نشانه‌های تهدید را اندازه می‌گیرد و شامل ۷ گویه است. عبارت "اگر فکر کنم حوادث ناگواری در حال روی دادن است، معمولاً بسیار عصبانی می‌شوم" یکی از گویه‌های این مؤلفه است. ۴ گویه اضافی به عنوان گویه‌های پوششی در مقیاس آورده شده‌اند که در اندازه‌گیری و ارزیابی نقشی ندارند. "اغلب تعجب می‌کنم که چرا مردم خیلی زیاد کار می‌کنند" یکی از گویه‌های پوششی است. سؤالات این مقیاس به صورت ۴ درجه‌ای و بر اساس مقیاس لیکرت نمره‌گذاری می‌شود. به گزارش کارور و وایت (۱۹۹۴) پایایی این ابزار با استفاده از آلفای کرونباخ برای سیستم بازداری رفتاری برابر ۰/۷۴ و برای زیرمؤلفه‌های سیستم

1. Carver & White
2. basd
3. basf
4. basr



فعال‌سازی رفتاری یعنی پاسخ‌دهی به پاداش، سائق و جست‌وجوی هیجان و سرگرمی به ترتیب برابر با ۰/۷۳، ۰/۷۶ و ۰/۶۶ است. در پژوهش محمدی (۱۳۸۷) نیز آلفای کرونباخ برای سیستم بازدارنده رفتاری ۰/۶۹ و برای سائق ۰/۸۷، پاسخ‌دهی پاداش ۰/۷۴ و برای جست‌وجوی ۰/۶۵ و برای کل سیستم فعال‌سازی رفتاری ۰/۷۸ گزارش شده است. سیدموسوی، پوراعتماد، فیاض بخش، اسماعیل بیگی و فرنودیان (۱۳۹۱) ثبات درونی سیستم بازدارنده رفتاری را برابر با آلفای ۰/۷۶ و سیستم فعال‌سازی رفتاری را ۰/۸۷ و نتایج همبستگی آزمون-پس‌آزمون با فاصله سه هفته برای سیستم بازدارنده رفتاری ۰/۹۱ و برای سیستم فعال‌سازی رفتاری ۰/۸۹ به دست آورده‌اند. میزان آلفای کرونباخ در پژوهش حاضر برای سیستم بازدارنده رفتاری ۰/۷۵ و برای سیستم فعال‌سازی رفتاری ۰/۸۸ به دست آمده است.

مقیاس ارزیابی انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده برای پاسخ به انتقاداتی که در رابطه با نسخه‌های قبلی **FACES** مطرح شده بود طراحی شد (اولسون و گورال<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳). این مقیاس ۴۲ گویه دارد و با استفاده از شش خرده مقیاس فرعی، دو خرده مقیاس اصلی انسجام و انعطاف‌پذیری خانوادگی را به طور کامل و جامع می‌سنجد. این خرده مقیاس‌ها هم ابعاد متوازن<sup>۲</sup> (سالم) و هم ابعاد نامتوازن<sup>۳</sup> (ناسالم) کارکرد خانواده را ارزیابی می‌کنند. خرده مقیاس‌های انسجام و انعطاف‌پذیری دو خرده مقیاس متوازن این پرسشنامه هستند و خرده مقیاس‌های به هم تنیده<sup>۴</sup>، گسسته<sup>۵</sup>، آشفته<sup>۶</sup> و نامنعطف<sup>۷</sup> خرده مقیاس‌های نامتوازن جدید آن هستند. سه خرده مقیاس گسسته، انسجام متوازن و به هم تنیده بعد انسجام و سه خرده مقیاس نامنعطف، انعطاف‌پذیری متوازن و آشفته بعد انعطاف‌پذیری را مورد ارزیابی قرار می‌دهند (اولسون، ۲۰۱۱). ضریب آلفای کرونباخ نمره کل مقیاس و خرده مقیاس‌های انسجام متوازن، انعطاف‌پذیری متوازن، گسسته، به هم تنیده، نامنعطف و آشفته برای پدران به ترتیب ۰/۷۱، ۰/۶۱، ۰/۵۸ و برای مادران به ترتیب ۰/۷۲، ۰/۷۲، ۰/۶۹، ۰/۵۶، ۰/۶۲ است. بررسی

- 
1. Gorall
  2. Balanced
  3. Un-balanced
  4. Enmeshed
  5. Disengaged
  6. Chaotic
  7. Rigid

روایی همگرا و واگرا از طریق محاسبه ضریب همبستگی مقیاس **FACES-IV** با مقیاس‌های فرم کوتاه شاخص استرس فرزندپروری (**PSI-SF**)، مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس (**DASS**)، مقیاس مشکلات رفتاری کودک و نوجوان (**YRS**)، وقایع زندگی (**LF**) رضایت‌بخش به‌دست آمد (مظاهری، حبیبی و عاشوری، ۱۳۹۲).

میزان ضریب آلفای کرونباخ نمره کل مقیاس و خرده مقیاس‌های انسجام متوازن، انعطاف‌پذیری متوازن، گسسته، به‌هم تنیده، نامنعطف و آشفته در پژوهش حاضر به‌ترتیب ۰/۷۳، ۰/۷۴، ۰/۸۳ و ۰/۷۵ به‌دست آمد. برای اجرای پژوهش بر روی هر دانش‌آموز ابتدا پرسشنامه انسجام و مقیاس انعطاف‌پذیری خانواده، سپس پرسشنامه سیستم‌های مغزی- رفتاری و نهایتاً پرسشنامه رفتار مشکل‌زا ارائه شد. در این پژوهش برگه‌های پرسش‌نامه بی‌نام بودند. به شرکت‌کنندگان اطمینان داده شد که اطلاعات نزد محقق کاملاً محرمانه باقی خواهد ماند. به‌منظور تجزیه و تحلیل ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه، از روش آمار توصیفی شامل جداول فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد و از روش‌های آمار استنباطی شامل همبستگی و رگرسیون استفاده شد.

## یافته‌ها

جدول ۱، به بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه در این پژوهش می‌پردازد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه

متغیر	دختر	پسر	کل	درصد
انسانی	۱۸	۲۶	۴۴	۲۳/۱
رشته				
تجربی	۲۹	۴۶	۷۵	۳۹/۵
ریاضی	۳۸	۳۳	۷۱	۳۷/۴
سن				
۱۵ ساله	۲۵	۳۶	۶۱	۳۲/۱
۱۶ ساله	۳۶	۲۴	۷۰	۳۶/۸
۱۷ ساله	۲۴	۳۵	۵۹	۳۱/۱
	۸۵	۱۰۵	۱۹۰	
درصد از کل	۴۴/۷	۵۵/۳	۱۰۰	

بررسی نمونه پژوهش شامل ۱۹۰ دانش‌آموز دبیرستانی با میانگین سنی ۱۵/۹۸ سال (تقریباً ۱۶ سال) و انحراف استاندارد ۰/۹۱۵ سال (۱۱ ماه) بودند. سایر ویژگی‌های نمونه در جدول ۱ گزارش شده است. با توجه به جدول ۱، پسرها به لحاظ جنس، بخش بیشتری از نمونه (۵۵/۳ درصد) را نسبت به دختران (۴۴/۷ درصد) تشکیل می‌دهد. دانش‌آموزان رشته تجربی نیز بیش از سایر رشته‌ها (۳۹/۵ درصد از کل) و دانش‌آموزان ۱۶ ساله بیشتر از سایر رده‌ها (۳۶/۸ درصد از کل) در نمونه حضور دارند. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش در جدول ۲ نشان داده شده است. به منظور تعیین رابطه ابعاد کارکرد خانواده، سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری، سردرگمی و انسجام هویت و رفتار مشکل‌زا از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که خلاصه نتایج در جدول ۳ گزارش شده است.

جدول ۲. شاخص‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها						
شاخص	میانگین	انحراف استاندارد	کجی	کشیدگی	کمینه	بیشینه
انسجام	۲۶/۰۲	۴/۳۳	-۰/۳۱۷	-۰/۰۹۹	۱۴	۳۵
انعطاف‌پذیری	۲۴/۶۶	۴/۹۶	-۰/۳۴۱	-۰/۲۶۶	۹	۳۵
گسسته	۱۷/۴۱	۴/۴۵	۰/۱۴۱	-۰/۰۸۸	۷	۲۹
به هم تنیده	۱۸/۶۰	۳/۲۳	-۰/۰۰۱	-۰/۸۷۳	۱۱	۲۶
نامنعطف	۲۰	۳/۲۴	-۰/۳۷۳	۰/۰۶۱	۱۰	۲۷
آشفته	۱۶/۴۵	۴/۸۰	۰/۱۶۸	-۰/۲۳۱	۷	۳۲
متوازن	۵۰/۶۴	۸/۵۶	-۰/۳۲۰	-۰/۲۶۴	۲۴	۷۰
نامتوازن	۷۲/۴۶	۱۰/۷۲	۰/۱۲۹	۰/۵۳۷	۴۵	۱۱۱
تعاملات خانوادگی	۳۴/۳۸	۸/۱۱	-۰/۲۷۵	-۰/۳۰۲	۱۰	۵۰
رضایت خانوادگی	۳۴/۸۸	۸/۶۹	-۰/۲۲۸	-۰/۲۳۷	۱۰	۵۰
انسجام هویت	۲۲/۷۲	۳/۲۹	-۰/۶۵۷	۰/۹۵۱	۱۰	۳۰
سردرگمی هویت	۱۵/۸۴	۴/۳۷	۰/۱۵۶	-۰/۲۶۸	۶	۲۹
سیستم بازداری رفتاری	۱۸/۱۵	۴/۹۷	-۰/۰۱۷	-۰/۸۲۷	۷	۲۸
سیستم فعال‌سازی رفتاری	۳۷/۴۶	۴/۶۳	۰/۱۴۹	-۰/۲۱۰	۲۷	۴۹
رفتار مشکل‌زا	۱۷/۷۰	۷/۳۰	۱/۴۷	۲/۰۱	۱۰	۴۳

جدول ۳. ماتری همبستگی متغیرها

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
انسجام	۱													
انعطاف‌پذیری	۰/۶۹۵**	۱												
گسسته	-۰/۵۸۶**	-۰/۵۱۶**	۱											
به‌هم‌تنیده	-۰/۱۹۵**	-۰/۱۸۱*	۰/۲۲۳**	۱										
نامنعطف	-۰/۱۱۴	-۰/۱۴۸*	۰/۱۶۶*	۰/۱۶۸*	۱									
آشفته	-۰/۴۶۸**	-۰/۵۱۶**	۰/۶۲۳**	۰/۱۴۰	۰/۱۷۲*	۱								
متوازن	۰/۹۰۹*	۰/۹۳۲**	-۰/۵۹۶**	-۰/۲۰۳**	-۰/۱۴۳*	-۰/۵۳۶**	۱							
نامتوازن	-۰/۵۴۶**	۰/۵۴۵**	۰/۸۱۲**	۰/۵۰۸**	۰/۴۹۹**	۰/۸۰۱**	-۰/۵۹۷**	۱						
تعاملات خانوادگی	۰/۶۴۷**	۰/۷۵۸**	-۰/۵۳۸**	-۰/۱۴۹*	۰/۲۰۹**	۰/۷۶۷**	۰/۵۴۷**	-۰/۵۴۷**	۱					
رضایت‌خانوادگی	۰/۶۲۳**	۰/۶۶۹**	-۰/۵۱۴**	-۰/۲۱۶**	۰/۲۹۲**	۰/۷۰۳**	۰/۷۱۶**	-۰/۵۶۸**	۰/۷۰۳**	۱				
فعال‌سازی رفتاری	۰/۱۵۸*	۰/۲۰۷**	-۰/۱۶۶*	۰/۰۲۷	-۰/۰۷۲	-۰/۰۳۰	۰/۲۰۰**	۰/۰۹۶	۰/۲۰۰**	۰/۲۱۵**	۱			
بازداری رفتاری	۰/۰۴۴	-۰/۰۲۵	۰/۱۰۳	۰/۱۷۸*	۰/۱۴۵*	۰/۱۵۱*	۰/۰۰۸	۰/۲۰۷**	۰/۰۰۸	-۰/۰۶۶	-۰/۲۵۱**	۱		
انسجام هویت	۰/۳۴۰**	۰/۳۸۷**	-۰/۲۵۹**	۰/۰۶۹	-۰/۰۹۴	-۰/۲۵۱**	۰/۳۹۷**	-۰/۲۶۹**	-۰/۲۵۱**	۰/۳۲۶**	۰/۱۴۵*	-۰/۰۳۵	۱	
سردرگمی هویت	-۰/۳۳۶**	-۰/۳۳۹**	۰/۳۸۶**	۰/۰۳۹	۰/۱۳۸	۰/۳۵۴**	-۰/۳۶۶**	۰/۳۷۲**	۰/۳۵۴**	-۰/۳۶۵**	-۰/۱۲۸	۰/۰۸۵	-۰/۴۲۲**	۱
رفتار مشکل‌زا	-۰/۲۴۶**	-۰/۲۲۴**	۰/۲۷۴**	۰/۲۰۷**	۰/۱۰۷	۰/۲۳۵**	-۰/۲۵۴**	۰/۳۱۳**	۰/۲۳۵**	-۰/۲۸۹**	-۰/۳۲۴**	۰/۲۷۵**	-۰/۱۹۵**	۰/۳۳**

بررسی شاخص‌های کجی در جدول ۲ نشان می‌دهد که گرچه کجی و کشیدگی هیچ یک از متغیرها صفر نیست و متغیرها به صورت کاملاً نرمال توزیع نشده‌اند، اما تقریباً در هیچ یک از متغیرها کجی و کشیدگی شدید مشاهده نمی‌شود. به ویژه اگر به عنوان یک ملاک تجربی ساده مقدار کجی بر خطای استاندارد کجی تقسیم شود (در این پژوهش مقدار خطای استاندارد کجی ۰/۱۷۶ محاسبه شد) و مقدار کشیدگی هر متغیر نیز بر خطای استاندارد کشیدگی (در این پژوهش برابر با ۰/۳۵۱) تقسیم شود، حاصل تقسیم در اکثر متغیرها از Z معیار ۹۹ درصدی (۲/۵۷) فراتر نخواهد رفت. بنابراین با توجه به مقاوم بودن اکثر آزمون‌های پارامتری به تخطی اندک از مفروضه نرمال بودن متغیرها، داده‌ها بدون استفاده از تبدیل، تحلیل شدند.

رابطه منفی و معنادار بین ابعاد متوازن، تعاملات و رضایت خانوادگی با رفتار مشکل‌زا و رابطه مستقیم و معناداری بین همه ابعاد نامتوازن کارکرد خانواده به جز نامتعطف با رفتار مشکل‌زا وجود دارد. همچنین مشاهده می‌شود که رابطه منفی معناداری بین سیستم بازدارنده رفتاری با رفتار مشکل‌زا و رابطه مستقیم معناداری بین سیستم فعال‌سازی رفتاری و رفتار مشکل‌زا مشاهده می‌شود (جدول ۳). خلاصه مدل رگرسیون گام به گام رفتار مشکل‌زا روی کارکرد خانواده و سیستم‌های بازدارنده و فعال‌سازی رفتاری در جدول ۴ آورده شده است.

جدول ۴. خلاصه مدل رگرسیون گام به گام رفتار مشکل‌زا روی کارکرد خانواده و سیستم‌های بازدارنده و فعال‌سازی رفتاری

مرتب	R	R <sup>2</sup>	R <sup>2</sup> تعدیل شده	خطای استاندارد برآورد	R <sup>2</sup>	F	Df <sub>1</sub>	Df <sub>2</sub>	سطح معناداری R <sup>2</sup>
۱	۰/۳۲۴	۰/۱۰۵	۰/۱۰۰	۶/۹۲۹	۰/۱۰۵	۲۱/۸۶۵	۱	۱۸۷	۰/۰۰۱
۲	۰/۴۳۰	۰/۱۸۵	۰/۱۷۶	۶/۶۲۸	۰/۰۸۰	۱۸/۳۵۸	۱	۱۸۶	۰/۰۰۱
۳	۰/۴۵۵	۰/۲۰۷	۰/۱۹۴	۶/۵۵۵	۰/۰۲۲	۵/۱۴۴	۱	۱۸۵	۰/۰۲۴

مطابق جدول ۴ ضریب تبیین مدل در مرتبه اول با ورود متغیر سیستم بازدارنده رفتاری از صفر به حدود ۱۰/۵ درصد، در مرتبه دوم با ورود نامتوازن با نمو معنادار ۸ درصدی به ۱۸/۵ درصد و در مرتبه سوم با ورود سیستم فعال‌سازی رفتاری و نمو حدود ۲ درصدی به حدود ۲۱ درصد رسید. ضرایب رگرسیونی این مدل در جدول ۵ گزارش شده است.

جدول ۵. ضرایب رگرسیون گام به گام رفتار مشکل‌زا روی کارکرد خانواده و سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری

مرتبۀ	متغیر پیش‌بین	B	خطای استاندارد	t	سطح معناداری
۱	سیستم بازداری رفتاری	-۰/۴۷۵	۰/۱۰۲	-۰/۳۲۴	۰/۰۰۱
۲	سیستم بازداری رفتاری	-۰/۴۳۵	۰/۰۹۸	-۰/۲۹۶	۰/۰۰۱
	نامتوازن	۰/۱۹۴	۰/۰۴۵	۰/۲۸۵	۰/۰۰۱
	سیستم بازداری رفتاری	-۰/۳۸۱	۰/۰۹۹	-۰/۲۶۰	۰/۰۰۱
۳	نامتوازن	۰/۱۷۴	۰/۰۴۶	۰/۲۵۶	۰/۰۰۱
	سیستم فعال‌سازی رفتاری	۰/۲۴۶	۰/۱۰۹	۰/۱۵۶	۰/۰۲۴

با توجه به ضرایب رگرسیونی ارائه شده در جدول ۵ به‌ویژه در سومین گام سیستم بازداری رفتاری به‌صورت منفی و معنادار و کارکرد نامتوازن خانواده و سیستم فعال‌سازی رفتاری به‌صورت مستقیم و معنادار قادر به پیش‌بینی رفتار مشکل‌زا هستند. می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت از میان ابعاد متوازن و نامتوازن کارکرد خانواده تنها بعد نامتوازن قادر به پیش‌بینی کردن رفتار مشکل‌زا است و سیستم‌های بازداری و فعال‌سازی رفتاری هر دو می‌توانند رفتار مشکل‌زا را پیش‌بینی نمایند.

### بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف بررسی میزان پیش‌بینی پذیری رفتار مشکل‌زا توسط ابعاد متوازن و نامتوازن کارکرد خانواده و همچنین سیستم‌های فعال‌سازی و بازداری رفتاری انجام شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد ابعاد متوازن و نامتوازن کارکرد خانواده با رفتارهای مشکل‌زا ارتباط معنادار دارند و کارکرد خانواده از طریق ابعاد نامتوازن قادر به پیش‌بینی معنادار رفتار مشکل‌زای نوجوانان است. این یافته‌ها همسو با پژوهش‌های پیشین درباره پیش‌بینی‌پذیری رفتار مشکل‌زای نوجوانان توسط کارکرد خانواده است (شوارتز و همکاران، ۲۰۰۵ و ابراهیمی‌ثانی، حجت، مولوی گنجه، کاظمی و ابراهیمی‌ثانی، ۱۳۹۲). هر دو بعد متوازن و نامتوازن کارکرد خانواده دارای رابطه به‌ترتیب مستقیم و معکوس معنادار با رفتارهای مشکل‌زا هستند اما آنچه جالب توجه به نظر می‌رسد پیش‌بینی‌پذیری رفتار مشکل‌زا توسط ابعاد نامتوازن و عدم پیش‌بینی‌پذیری رفتار مشکل‌زا توسط ابعاد متوازن مثبت کارکرد خانواده است. تاکنون هیچ

پژوهش داخلی یا خارجی به نقش ابعاد متوازن و نامتوازن کارکرد خانواده در پیش‌بینی رفتار مشکل‌زای نوجوانان نپرداخته است. با این حال، به نظر می‌رسد این یافته‌ها نشان می‌دهد کارکرد منفی خانواده (ابعاد نامتوازن) از جمله ابعاد نامنعطف یا گسسته، می‌تواند از طریق عواملی همچون کاهش رضایت نوجوان از حضور در خانواده و کاهش نظارت والدین بر نوجوان خطر گرایش نوجوان به رفتارهای مشکل‌زا را افزایش دهد. در طرف مقابل، قدرت کمتر ابعاد متوازن کارکرد خانوادگی برای پیش‌بینی رفتار مشکل‌زا را می‌توان با این نگاه تبیین کرد که نوجوانی که در خانواده‌ای با کارکردهای مثبت پرورش یافته باشد اما از سطوح بالایی فعالیت در سیستم فعال‌سازی رفتاری برخوردار باشد و طالب هیجانات جدید باشد، ممکن است باز هم درگیر رفتارهای مشکل‌زا شود. تاثیر مستقیم تعاملات خانوادگی و رضایت نوجوان از پویایی‌های خانواده بر گرایش او به درگیری در رفتارهای مشکل‌زا در کنار میزان انعطاف‌پذیری و انسجام خانوادگی، نشان‌دهنده‌ی اهمیت پررنگ این دو عامل است. نتایج پژوهش همچنین اهمیت حفظ تعادل در خانواده را مورد تاکید قرار می‌دهد. ویس، گارباناتی، تانجسیری و پالمر<sup>۱</sup> (۲۰۰۶) معتقدند فرآیندهای درون خانواده به عنوان یک عامل مهم در بروز مشکلات رفتاری نوجوانان مانند گرایش به استعمال سیگار است. ساختار سالم خانوادگی، همبستگی و انسجام و نظارت والدین از عوامل محافظتی در برابر استعمال سیگار هستند (گائو<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۰۹). در حالی که برقراری رابطه مثبت و صمیمانه با نوجوان و توجه به نیازهای او از اهمیت بالایی برخوردار است، این صمیمیت در صورتی که بیش از اندازه شود حالت مداخله در کار او و نقض فردیت و استقلال او را پیدا می‌کند.

در رابطه با انعطاف‌پذیری خانوادگی نیز، همان‌گونه که عدم وجود قوانین و انتظارات مشخص از نوجوان در رابطه با مواردی نظیر ساعت بازگشت به خانه و انتخاب همسالان و گروه‌های دوستی می‌تواند آسیب‌زا باشد، انعطاف‌ناپذیری خانواده در رابطه با نقش‌ها و قوانین نیز می‌تواند موجب دوری نوجوان از کانون خانواده شود. درحالی‌که با داشتن قوانین و انتظاراتی مشخص و البته تا حدی انعطاف‌پذیر، می‌توان محیطی برای او فراهم کرد تا در عین درک اهمیت انضباط فردی و عمل در چارچوب برخی هنجارها، فضای خانواده برای وی

1. Weiss, Garbanati, Tanjasiri, & Palmer

2. Gau

جذاب و گرم باقی بماند. نتایج پژوهش همچنین حاکی از توان بالای پیش‌بینی‌کنندگی رفتار مشکل‌زای نوجوانان توسط سیستم بازداری رفتاری به صورت معکوس و سیستم فعال‌سازی رفتاری به صورت مستقیم است. این نتایج کاملاً همسو با یافته‌های پژوهشی پیشین از جمله ورمیرش و همکاران (۲۰۱۳)، مجدآبادی فراهانی و همکاران (۱۳۸۹) و عبدی و همکاران (۱۳۹۰) درباره نقش سیستم‌های رفتاری در رفتار نوجوانان است. همان‌طور که پیشتر بحث شد، سیستم فعال‌سازی رفتاری به وسیله هوشیار کردن نوجوان نسبت به رفتارها و رویدادهایی که از حالت پاداش‌دهندگی بالایی برخوردار هستند، آن‌ها را بیشتر در معرض این رفتارها قرار می‌دهد و می‌توان بروز این رفتارها را در نوجوانانی که فعالیت بیشتر سیستم فعال‌سازی رفتاری آنان نسبت به سیستم بازداری رفتاری مورد تأیید قرار گرفته است، بیشتر انتظار داشت. یافته‌های پژوهش حاضر به نقش پررنگ دو عامل زیستی و اجتماعی در محافظت از نوجوان در برابر رفتارهای مشکل‌زا اشاره دارد. این یافته‌ها می‌تواند در طراحی برنامه‌های پیشگیرانه و آموزشی کاربردهای متعددی داشته باشد. به‌عنوان مثال، می‌توان به‌وسیله ارزیابی سیستم‌های مغزی رفتاری دانش‌آموزان، افرادی را که در خطر گرایش به رفتارهای مشکل‌زا قرار دارند مورد شناسایی قرار داد و به‌وسیله تقویت ابعاد متوازن خانواده آنان و همچنین اصلاح ابعاد نامتوازن آن، به تقویت عوامل محافظت‌کننده از نوجوان در برابر رفتارهای مشکل‌زا پرداخت. با توجه به این‌که این پژوهش بر نمونه محدودی از نوجوانان ساکن تهران انجام شده و روش مقطعی به کار گرفته شده در آن با محدودیت‌های ذاتی خود همراه است، بایستی در تعمیم نتایج این پژوهش احتیاط کرد.

## منابع

### فارسی

ابراهیمی‌ثانی، ابراهیم؛ حجت، سید کاوه؛ مولوی گنجه، سجاد؛ کاظمی، سرور؛ و ابراهیمی‌ثانی، نازنین (۱۳۹۲). بررسی مقایسه ابعاد کارکرد خانواده نوجوانان بزهکار و عادی. *مجله دانشگاه علوم پزشکی خراسان شمالی*، ۵، ۷۳۱-۷۲۳.

جوادی، رحم‌خدا؛ آقابخشی، حبیب؛ رفیعی، حسن؛ عسگری، علی؛ بیان معمار، احمد؛ و عبدی



- زرین، سهراب (۱۳۹۰). رابطه‌ی کارکرد خانواده و تاب‌آوری در برابر مصرف مواد در دانش‌آموزان پسر دبیرستانی مدارس پر خطر. *رفاه اجتماعی*، ۴۱، ۴۴۴-۴۲۱.
- سیدموسوی، پریسا؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ فیاض‌بخش، محمدرضا؛ اسماعیل بیگی، فاطمه؛ و فرندیان، پریسا (۱۳۹۱). بررسی رابطه نظام بازداری و فعال‌ساز رفتاری با مشکلات رفتاری-هیجانی در نوجوانان بهنجار. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۹، ۱۶۶-۱۵۵.
- عبدی، رضا؛ بخشی پور رودسری، عباس؛ و محمود علیلو، مجید (۱۳۹۰). میزان حساسیت سامانه‌های گرایش و بازداری رفتاری در افراد سوء مصرف‌کننده مواد، سیگاری و سالم. *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۷، ۲۴۷-۲۴۱.
- مجدآبادی فراهانی، زهره؛ فرزاد، ولی‌الله؛ شهرآرای، مهرناز؛ و مرادی، علیرضا (۱۳۸۹). کنش‌وری خانوادگی، هویت شخصی و رفتار مشکل‌آفرین در نوجوانی. *روان‌شناسی تحولی، روان‌شناسان ایرانی*، ۲۷، ۲۱۹-۲۰۷.
- محمدی، نوراله، (۱۳۸۷)، ویژگی‌های روان‌سنجی مقیاس‌های سیستم بازداری و فعال‌سازی رفتار در دانشجویان دانشگاه شیراز، *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۲۸، ۶۸-۶۱.
- مظاهری، محمدعلی؛ حبیبی، مجتبی؛ و عاشوری، احمد (۱۳۹۲). ویژگی‌های روان‌سنجی نسخه فارسی مقیاس انسجام و انعطاف‌پذیری خانواده (FACES-IV). *مجله روان‌پزشکی و روان‌شناسی بالینی ایران*، ۱۹، ۳۱۴-۳۲۵.

### لاتین

- Adams, G. R., Ryan, B. A., & Keating, L. (2000). Family relationships, academic environments, and psychosocial development during the university experience: A longitudinal investigation. *Journal of Adolescent Research*, 15, 99-122.
- Carver, C. S. & White, T. L. (1994). Behavioral inhibition, behavioral activation and affective responses to impending reward and punishment: The BIS/BAS scales. *Journal of Personality and Social Psychology*, 67, 319-333.

- Dodge, K.A. & Pettit, G.S. (2003). A biopsychosocial model of the development of chronic conduct problems in adolescence. *Developmental Psychology*, 39, 349-371.
- Franken, I. H. A., Muris, P., & Georgieva, I. (2006). Gray's model of personality and addiction. *Addictive Behaviors*, 31, 399-403.
- Gatti, U., Tremblay, R. E., Vitaro, F., & McDuff, P. (2005). Youth gangs, delinquency and drug use: A test of the selection, facilitation, and enhancement hypotheses. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 46, 1178-1190.
- Gau, S. S. F., Lai, M. C., Chiu, Y. N., Liu, C. T., Lee, M. B., & Hwu, H. G. (2009). Individual and family correlates for cigarette smoking among Taiwan's college students. *Comprehensive Psychiatry*, 50 (3), 276-285.
- Jackson, E. P., Dunham, R. M., & Kidwell, J. S. (1990). The effect of family cohesion and adaptability on identity status. *Journal of Adolescent Research*, 5, 161-174.
- Jessor, R. & Jessor, S. L. (1997). *Problem behavior and psychosocial development: A longitudinal study of youth*, New York: Academic Press.
- Jessor, R., Turbin, M. S., & Costa, F. M. (2003). Adolescent problem behaviour in China and the United States: A cross-national study of psychosocial protective factors. *Journal of Research on Adolescence*, 13 (3), 329-360.
- Johanson, E.A & Nozick, K.J. (2011). Personality, adjustment, and identity style influences on stability in identity and self-concept during the transition to university. *Identity: An International Journal of Theory and Research*, 11 (1), 25-46.
- Jones, R. M. & Hartmann, B. R. (1988). Ego identity: Developmental differences and experimental substance use among adolescents. *Journal of Adolescence*, 11, 347-360.
- Jones, R. M., Hartmann, B. R., Grochowski, C. O., & Glider, P. (1989). Ego identity and substance abuse: A comparison of adolescents in residential treatment with adolescents in school.

- Personality and individual differences, 10, 625-631. *Journal of Adolescent Research*, 6 (3), 336-56.
- Laxton, N. J. & Dawe, S. (2001). Alcohol abuse and dysfunction eating in adolescent girls: The influence of individual differences in sensitivity to reward and punishment. *International Journal of Eating Disorders*, 29 (4), 455-462.
- Lerner, R. M., Brentano, C., Dowling, E. M., Anderson, P. M. (2002). Positive youth development: Thriving as the basis of personhood and civil society. *New Directions for Youth Development*, 95, 11-34.
- Loeber, R., Farrington, D.P., Stouthamer-Loeber, M., Moffitt, T.E., & Caspi, A. (1999). The development of male offending: Key findings from the first decade of the Pittsburgh Youth Study. *Studies on Crime and Crime Prevention*, 7, 141-171.
- Olson, D. (2011). FACES IV and the circumplex model: Validation study. *Journal of Marital Family Therapy*, 37 (1), 64-80.
- Olson, D. & Gorall, D.M. (2003). *Circumplex model of marital and family system*, Normal family processes. New York: Guilford.
- Olson, D.H. (2000). Circumplex model of marital and family systems. *Journal of Family Therapy*, 22, 144-167.
- Reis, O. & Youniss, J. (2004). Patterns in identity change and development in relationships with mothers and friends. *Journal of Adolescent Research*, 19, 31-44.
- Rosenthal, D. A., Gurney, R. M., Moor, S. M. (1981). From trust to intimacy: A new inventory of examining Erikson stages of psychosocial development. *Journal of Youth Adolescents*, 62, 745-747.
- Schwartz, S. J., Mason, C. A., Pantin, H., & Szapocznik, J., (2009). Longitudinal relationships between family functioning and identity development in hispanic adolescents: Continuity and change. *The Journal of Early Adolescence*, 29 (2), 177-211.
- Schwartz, S. J., Pantin, H., Prado, G., Sullivan, S., & Szapocznik, J. (2005). Family functioning, identity, and problem behavior in

Hispanic immigrant early adolescents. *Journal of Early Adolescence*, 25, 392-420.

Vermeersch, H., T'sjeon, G., Kaufman, J. M., Van Houtte, M. (2013). Social Science Theories on Adolescent Risk-Taking, the Relevance of Behavioral Inhibition and Activation. *Youth Society*, 45 (1), 27-53.

Weiss, J. U., Garbanati, J. A., Tanjasiri, S. P., Xie, B., Palmer, P. H. (2006). Affects of family functioning and self-image on adolescent smoking initiation among Asian-American subgroups. *Journal of Adolescent Health*, 39 (2), 221-8.